



# درس ۴

# معجزه‌های از نوع کتاب

ستاره‌های بدرخشیده و ماه بچشم شد  
دل رسیده‌ی ما را انیس و مونس شد  
نگار من که به کتب زلفت و خط نوشت  
به نغز سنا آموز صد درس شد

قرآن کریم، آخرین کتاب الهی است که بر خاتم پیامبران نازل شده است. این کتاب دو ویژگی دارد که آن را از سایر کتاب‌های آسمانی ممتاز می‌کند:

۱- دلیل و سند نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

۲- جاودانه و همیشگی است.

در این درس می‌خواهیم این دو ویژگی را بررسی کنیم تا بدانیم: اولاً، چگونه قرآن کریم دلیل حقانیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معجزه‌ی ایشان به شمار می‌آید؟  
ثانیاً، آیا میان نوع معجزه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله (یعنی کتاب) و خاتمیت ایشان رابطه‌ای هست؟

وَاِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ  
مِمَّا نَزَّلْنَا عَلٰی عَبْدِنَا  
فَاْتُوا بِسُوْرَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ  
وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ  
مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ  
اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِيْنَ

فَاِنْ لَّمْ تَفْعَلُوْا  
وَلَنْ تَفْعَلُوْا  
فَاْتُوْا النَّارَ الَّتِي  
وَقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ  
اُعِدَّتْ لِلْكَافِرِيْنَ

پس بترسید از آتشی کہ  
ہیزمش آدمیان و سنگ ہاست

بقرہ ۲۳ و ۲۴

أُعِدَّتْ: آمادہ شدہ است

فَأْتُوا: پس بیاورید

## سند و دلیل نبوت

هر یک از پیامبران الهی نشانه و بیّنه‌ای داشتند که نشان می‌داد آنان از طرف خدا آمده‌اند و در ادعای خود راستگو و صادق‌اند. انسان‌های حق‌جو وقتی این نشانه‌ها را می‌دیدند، به پیامبران اعتماد می‌کردند و به آن‌ها ایمان می‌آوردند. این نشانه‌ها را «معجزه» می‌گویند. از جمله معجزه‌های حضرت موسی علیه السلام، یکی عصایش بود که به ماری بزرگ تبدیل می‌شد و دیگری نوری بود که هنگام بیرون آمدن دست او از گریبان، همه‌جا را روشن می‌کرد. از معجزه‌های حضرت عیسی علیه السلام شفا دادن بیماران لاعلاج، زنده کردن مردگان و خبر دادن از آذوقه‌های داخل خانه‌های مردم بود. معجزه‌ها به اذن خدا انجام می‌شد و فقط برای اثبات نبوت پیامبران به کار می‌رفت. برخی از پیامبران گذشته کتاب آسمانی داشتند اما کتابشان دلیل بر نبوتشان نبود و معجزه محسوب نمی‌شد.



## آیا می‌دانید معجزه‌های پیامبران گذشته چه تناسبی با زمان پیامبری آنان دارد؟

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با این که معجزه‌های گوناگونی داشت اما معجزه‌ی اصلی برای اثبات نبوت ایشان قرآن کریم است و همان‌طور که در آیات ابتدای درس خواندیم، از مخالفان می‌خواهد اگر در الهی بودن این کتاب شک دارند، یک سوره مانند آن بیاورند. این دعوت به مبارزه را «تَحَدّی» می‌گویند. از آن روز که قرآن کریم دعوت به مبارزه را اعلام کرده است بیش از چهارده قرن می‌گذرد. مخالفان سرسخت اسلام در این باره تلاش فراوان کرده‌اند اما نتوانسته‌اند سوره‌ای، حتی به اندازه‌ی سوره‌ی «کوثر» بیاورند که دانشمندان و متخصصان برابری آن را با سوره‌ای از قرآن پذیرند؛ درحالی که آسان‌ترین راه برای غیرالهی نشان دادن اسلام و قرآن کریم، آوردن سوره‌ای مشابه یکی از سوره‌های این کتاب الهی بود.

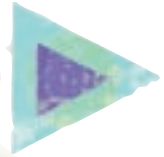


## ختم نبوت و معجزه‌ی جاویدان

از آن‌جا که پیامبر اکرم ﷺ آخرین پیامبر و تعلیمات ایشان برای همه‌ی زمان‌ها و دوران‌های بعد از اوست، سند نبوت و حقانیت او نیز به‌گونه‌ای است که در همه‌ی زمان‌ها و دوران‌ها حضور دارد و هم‌اکنون نیز مخالفان را به آوردن سوره‌های مانند سوره‌های خود دعوت می‌کند. اگر معجزه‌ی پیامبر اکرم ﷺ از نوع کتاب و علم و فرهنگ نبود، نمی‌توانست شاهده‌ی حاضر بر نبوت ایشان باشد. شگفتی این اعجاز در آن است که هر قدر زمان می‌گذرد و انسان به قلّه‌های بلندتری در علم و معرفت دست می‌یابد، نه تنها از ارزش آن کاسته نمی‌شود بلکه درخشندگیش بیش‌تر آشکار می‌شود و ابعاد جدیدی از معارف آن کشف می‌گردد. آری؛ این معجزه مناسب انسان‌های با فرهنگ و دانشمند است و به‌همین جهت با توسعه‌ی دانش و فرهنگ، اعجاز آن آشکارتر و روشن‌تر می‌شود. این درحالی است که آثار بزرگ‌ترین دانشمندان جهان - از افلاطون و ارسطو گرفته تا ابن‌سینا و خواجه‌نصیر و رازی تا نیوتن و پاسکال - کهنه می‌شوند و برخی سخنان آنان بسیار ابتدایی و ساده جلوه می‌کند یا به تدریج اشتباهشان آشکار می‌گردد و مردم، گرچه به بزرگی از آن‌ها یاد می‌کنند، اما می‌دانند که اشتباهات بزرگی هم داشته‌اند.

## جنبه‌های اعجاز قرآن کریم

۱- نشانه‌های لفظی و ظاهری: هرکس که اندکی با زبان عربی آشنا باشد، پس از انس با قرآن، درمی‌یابد که این کلام با سایر کلام‌ها کاملاً متفاوت است. فصاحت و بلاغت قرآن کریم، از آغاز نزول مورد توجه همگان و حتی مخالفان قرار گرفت. زیبایی‌های لفظی، ساختار موزون کلمه‌ها و جمله‌ها، رسایی در معنا با وجود ایجاز و اختصار و بسیاری دیگر از ویژگی‌های هنرمندانه‌ی ادبی قرآن کریم بی‌مانند است. با این که بیش‌تر سوره‌های این کتاب، به‌خصوص سوره‌های بلند، در زمان‌های مختلف و گاه طولانی نازل شده‌اند، از چنان فصاحت و بلاغتی برخوردارند که در آن‌ها جای هیچ‌یک از کلمات را نمی‌توان تغییر داد و لفظی را به‌جای لفظ دیگر نمی‌توان نشانید. به آیه‌ی کوتاه «بسم‌الله الرحمن الرحیم» توجه کنید که چه زیبا بیان شده است و چه آهنگ آرامش‌بخشی را با خود به ذهن خواننده منتقل می‌کند. همین زیبایی و شیرینی بیان، موزون بودن کلمه‌ها و رسایی تعبیرات، در طول تاریخ سبب نفوذ خارق‌العاده‌ی این کتاب آسمانی در افکار و نفوس شده است. در اوایل بعثت، سران مکه افرادی را مأمور کرده بودند که نگذارند مردم به خانه‌ی پیامبر ﷺ بروند و آیات قرآن را بشنوند؛ زیرا می‌دانستند که این آیات، هر شنونده‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد.



ولید بن مغیره از بزرگان مکه بود و به حسن تدبیر شهرت داشت. روزی به تقاضای جمعی از مشرکان نزد پیامبر ﷺ آمد تا از نزدیک وضع او را بررسی و آیات قرآن را ارزیابی کند. پیغمبر ﷺ قسمتی از سوره‌ی «سجده» را تلاوت کرد. این آیات چنان تأثیر و هیجانی در ولید ایجاد کرد که بی‌اختیار از جا حرکت نمود، نزد مشرکان بازگشت و گفت:

سوگند می‌خورم که از محمد ﷺ سخنی شنیدم که نه به گفتار انسان‌ها شباهت دارد و نه به گفتار پریان؛ گفتار او شیرینی و زیبایی مخصوصی دارد، شاخه‌های آن پرثمر و ریشه‌هایش پرمایه است. گفتاری است که بر هر چیز پیروز خواهد شد. زمزمه در میان قریش افتاد که ولید به گفتار پیامبر علاقه‌مند شده است. ابوجهل گفت من چاره‌ی کار را می‌دانم. درحالی که خود را غمگین نشان می‌داد، به منزل ولید آمد. ولید پرسید: «چرا غمگینی؟»

ابوجهل گفت: «چرا غمگین نباشم؟ قریش بر تو با این سن و شخصیت، عیب می‌گیرند و می‌گویند که جذب محمد ﷺ شده‌ای».

ولید برخاست و با ابوجهل به مجلس قریش درآمد. رو به سوی جمعیت کرد و گفت: «آیا تصور می‌کنید محمد ﷺ دیوانه است؟» حضار گفتند: نه. گفت: «تصور می‌کنید او دروغ‌گوست؟ آیا به صادق و امین مشهور نبوده؟» حضار گفتند: آری. سپس بزرگان قریش گفتند: پس چه چیزی باید به او نسبت دهیم تا مردم گرد او جمع نشوند؟ ولید با شیطنتی خاص گفت: «ساحر؛ آری او ساحر است.»

برخی از سران مکه که خود، مردم را از شنیدن قرآن منع می‌کردند، شب‌ها پشت خانه‌ی رسول خدا ﷺ می‌آمدند و به تلاوت آیات گوش می‌دادند. مدتی گذشت؛ یکی از آنان گفت این درست نیست که دیگران را از شنیدن قرآن منع کنیم، اما خود به قرآن گوش دهیم. آنان تصمیم گرفتند از شب بعد پشت خانه‌ی پیامبر ﷺ جمع نشوند. در

اواخر شب بعد یکی از آنان نتوانست خود را نگه دارد. شوق شنیدن قرآن و لذت بردن از زیبایی آن او را تحریک کرد تا دور از چشم دوستان خود به سوی خانه‌ی پیامبر ﷺ حرکت کند. وقتی پشت خانه‌ی آن حضرت رسید، دید که دوستان دیگر او نیز آمده‌اند و مشغول شنیدن صدای رسول خدا ﷺ هستند و تلاوت قرآن را می‌شنوند.<sup>۱</sup>

۲- نشانه‌های محتوایی و معنایی: محتوای این کتاب شریف ویژگی‌هایی دارد که نشان می‌دهد از قلم هیچ دانشمندی تراوش نکرده است، چه رسد به شخصی که قبل از آن خطی نوشته و آموزشی ندیده است. اساساً قرآن کریم در چنان اوجی از معنا قرار دارد که اگر همه‌ی انسان‌ها یک‌دیگر را کمک کنند، نمی‌توانند حتی سوره‌ای مانند آن را بیاورند. حال بینیم این ویژگی‌ها کدام‌اند.

**الف - انسجام درونی، در عین نزول تدریجی:** می‌دانیم که آثار و نوشته‌های اولیه‌ی دانشمندان و متفکران با آثار دوران پختگی و کمالشان متفاوت است. از این‌رو دانشمندان معمولاً در نظریات گذشته‌ی خود تجدیدنظر می‌کنند و اگر بتوانند، کتاب‌های گذشته‌ی خود را اصلاح می‌نمایند.

با این‌که ۶۲۳۶ آیه‌ی قرآن کریم در طول ۲۳ سال نازل شده و درباره‌ی موضوعات متنوعی مانند توحید، معاد، انسان، نظام خلقت، سرگذشت پیامبران، نظام اجتماعی، اخلاق و احکام سخن گفته است، با وجود این، نه‌تنها میان آیات آن تعارض و ناسازگاری نیست، بلکه دقیق‌تر از اعضای یک بدن یا اجزای یک درخت هماهنگ و مؤید یک‌دیگرند. خداوند درباره‌ی این ویژگی می‌فرماید:

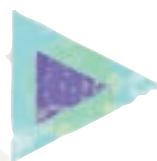
أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ  
وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ  
لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا

.....  
اگر از نزد غیر خدا می‌بود  
در آن ناسازگاری بسیار می‌یافتند

نساء ۸۲

ب — تأثیر ناپذیری و تبعیت نکردن از فرهنگ و عقاید زمانه: در هر دوره‌ای از زمان، مجموعه‌ای از افکار، عقاید و آداب و رسوم که از آن به فرهنگ تعبیر می‌شود، مردم را کم و بیش تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرهنگ مردم حجاز آمیخته‌ای از عقاید نادرست و آداب و رسوم خرافی و شرک آلود بود. آنان حتی آداب توحیدی باقی مانده از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت اسماعیل علیه السلام را با شرک آمیخته و کعبه را مرکز بت‌های بزرگ و کوچک کرده بودند. با وجود این، قرآن کریم نه تنها از این فرهنگ تأثیر نپذیرفت بلکه به شدت با آداب جاهلی و رسوم خرافی آن مبارزه کرد و به اصلاح جامعه پرداخت و از موضوع‌هایی چون عدالت خواهی، علم دوستی، معنویت و حقوق برابر انسان‌ها که آرمان‌های مقدس انسان‌ها به شمار می‌روند سخن گفت. طرح این گونه موضوع‌ها در فضای جاهلیت آن روز، بالاترین جنبه‌ی اعجاز قرآن کریم است.

برای مطالعه



۱- شاید نتوان کتابی را در جهان یافت که در آن به اندازه‌ی قرآن کریم بر تعقل، تفکر و علم دوستی تأکید شده باشد. در این کتاب، بیش از ۷۷۰ بار از علم، ۲۸۰ بار از تذکر و ذکر، ۱۸۵ بار از گوش دادن و توجه کردن، ۴۹ بار از عقل، ۱۹ بار از ژرف اندیشی و تفقه، ۱۸ بار از فکر کردن، ۸ بار از تدبیر کردن، ۸ بار از برهان، ۱۳۲ بار از تبیین و بینه، ۱۱۴ بار از حکمت و مشتقات آن‌ها و نیز ده‌ها کلمه‌ی دیگر مانند قلم و کتاب که به تفکر و علم مربوط می‌شوند، نام برده شده است. همچنین آیات متعددی در نکوهش جهل، غفلت و تعقل نکردن وجود دارد.

۲- در نظام اجتماعی و سیاسی آن عصر از جمله در نظام اجتماعی روم و ایران، مردم به طبقات عالی و پست تقسیم می‌شدند. کسانی که جزء طبقه‌ی پست بودند، حقوق اجتماعی کمتری داشتند. قرآن کریم با این موضوع به شدت مبارزه کرد و فرمود:

«ای مردم، ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را شاخه شاخه و قبیله قبیله کردیم تا یک‌دیگر را باز شناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست.»



البته خدا دانا و آگاه است.»<sup>۱</sup>

۳- در جامعه‌ی آن روز عربستان و حتی دیگر نقاط جهان، کرامت زنان نادیده گرفته می‌شد. در آن جامعه، زن ارزشی شبیه اموال داشت. خانواده‌ای که فرزند دختر به دنیا می‌آورد، احساس شرم می‌کرد<sup>۲</sup> و کار به جایی می‌رسید که گاهی نوزاد دختر به دست پدر زنده به گور می‌شد. در چنین فضایی، قرآن کریم با بیان کرامت زن و تساوی وی با مرد در انسانیت اعلام کرد: هر کس، از مرد و زن، عمل صالح انجام دهد و اهل ایمان باشد، خداوند به او حیات پاک و پاکیزه می‌بخشد<sup>۳</sup> و عمل هیچ مرد و زنی را ضایع نمی‌کند.<sup>۴</sup> همچنین به کسانی که دختران را زنده به گور می‌کردند، بیم آتش جهنم داد و فرمود در روز قیامت درباره‌ی این دختران سؤال می‌شود که به چه علتی زنده به گور شدند.<sup>۵</sup>

علاوه بر این، قرآن کریم برای زنان حقوق خانوادگی و اجتماعی قائل شد، در مالکیت به او استقلال بخشید و بهره‌ی کارش را از آن خودش دانست؛ هزینه‌ی خانواده را از دوش او برداشت و بردوش مرد قرار داد و به خصوص بر کرامت، عزت و عفافش تأکید کرد تا در جامعه مورد سوء استفاده‌ی مرد قرار نگیرد.

۴- حج یکی از عبادت‌ها و مراسمی است که حضرت ابراهیم علیه السلام آن را پایه‌گذاری کرد اما پس از گذشت قرن‌ها، خانه‌ی خدا مرکز بت‌ها شد. اعراب جاهلی مراسم حج را برای پرستش بت‌ها برگزار می‌کردند و در این مراسم، آداب خرافاتی مخصوصی به جا می‌آوردند؛ مثلاً ساکنان غیر مکه را مجبور می‌کردند فقط با لباس‌هایی که مکیان می‌فروختند طواف کنند. اما قرآن کریم حج را به زیباترین جلوه‌ی یکتاپرستی و هم‌بستگی تبدیل کرد و کعبه را پایگاه وحدت مسلمانان قرار داد.

۵- مردم از وجود زوجیت در انسان‌ها و حیوان‌ها مطلع بودند. بعدها دانشمندان دانستند که نوعی از زوجیت هم در گیاهان هست. برخی گیاهان دو پایه و برخی تک پایه و آن‌ها هم که تک پایه‌اند از مادگی و پرچم تشکیل شده‌اند.

امروزه روشن شده که گونه‌هایی از زوجیت در سایر موجودات هم وجود دارد و اموری از قبیل بار مثبت و منفی، الکترون و پروتون و بار مغناطیسی متضاد، اشیاء را در بر گرفته است. قرآن کریم از این زوجیت‌ها خبر داده و می‌فرماید خداوند از جنس خود شما

۱- نحل ۹۷

۲- نحل ۵۸

۳- حجرات ۱۳

۴- تکویر ۹

۵- آل عمران ۱۹۵

برای شما زوج قرار داده است<sup>۱</sup>. همچنین می‌فرماید که ما زمین را گستراندیم و کوه‌های بلند و استوار را بنهادیم و از هر گیاهی به صورت زوج در آن رویاندیم<sup>۲</sup>. آن‌گاه دامنه‌ی زوجیت را توسعه می‌دهد و به همه‌ی اشیاء می‌رساند و می‌فرماید از هر چیز دو گونه آفریدیم<sup>۳</sup>.

۶- پیش از این که نظریات گالیله و کپرنیک درباره‌ی ستارگان و فضا مطرح شود، دانشمندان پیرو این نظریه بودند که آسمان‌ها مانند لایه‌های پیاز روی هم قرار گرفته و زمین در مرکز آن‌ها قرار دارد. آنان معتقد بودند که این لایه‌ها غیرقابل نفوذند و نمی‌توان از آسمانی به آسمان دیگر رفت.

در همین موقعیت، قرآن کریم نفوذ در آسمان‌ها را ممکن می‌شمارد اما می‌فرماید که این نفوذ، نیازمند نیرویی مسلط است<sup>۴</sup>. پس، ابتدا باید این نیرو و ابزار را فراهم ساخت و آن‌گاه به نفوذ در آسمان‌ها پرداخت.



استفاده از برخی عناصر فرهنگی زمانه مانند زبان و نمونه‌هایی که مردم با آن آشنا بوده‌اند، با تأثیرپذیری از فرهنگ تفاوت دارد. استفاده‌ی قرآن کریم با گزینش و برای رساندن یک مقصود متعالی انجام شده، درحالی که تأثیرپذیری، به طور ناخودآگاه اتفاق می‌افتد. نمونه‌ای از این استفاده، نزول قرآن کریم به زبان عربی و در عالی‌ترین شکل از نظر فصاحت و بلاغت و زیبایی است که از وجوه اعجاز قرآن کریم هم محسوب می‌شود. همچنین، قرآن کریم در موارد متعدد از آن‌چه برای مردم آشنا بوده، استفاده کرده است. برای مثال، در بیان عظمت خلقت، از مردم خواسته است که در خلقت شتر، خانه‌سازی زنبور عسل و نظایر آن بیندیشند تا قدرت خالق را بهتر درک کنند. ذکر این نمونه‌ها برای آن بوده است که مردم آن عصر بتوانند پیام‌های قرآن را به طور ملموس و روشن درک کنند و به آن‌ها جذب شوند.

برخی نمی‌توانند میان این گونه استفاده، و تأثیرپذیری از فرهنگ زمانه تفاوت قائل شوند و می‌پندارند که این استفاده همان تأثیرپذیری است. عناصر اصلی فرهنگ زمانه، در عصر رسول خدا ﷺ، شرک، بت پرستی، فساد اخلاقی، نظام قبیله‌ای و ظلم و ستم به انسان‌ها و به‌خصوص، زنان بود. قرآن کریم این فرهنگ را «فرهنگ جاهلیت» می‌نامد و نه تنها این عناصر را نمی‌پذیرد بلکه با سرسختی و قاطعیت با آن به مبارزه برمی‌خیزد و راه اعتلای انسان‌ها را هموار می‌کند.

ج — جامعیت و همه جانبه بودن: قرآن کریم با وجود این که حدود پانزده قرن پیش و در جامعه‌ای به دور از فرهنگ و دانش نازل شده در مورد همه‌ی مسائل مهم و حیاتی که انسان در هدایت بدان نیاز دارد، سخن گفته و چیزی را فروگذار نکرده است. این کتاب فقط از امور معنوی یا آخرت و رابطه‌ی انسان با خدا سخن نمی‌گوید، بلکه از زندگی مادی و دنیوی انسان، مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی او و نیز رابطه‌ی وی با انسان‌های دیگر سخن می‌گوید و برنامه‌ای جامع و همه جانبه را در اختیارش قرار می‌دهد.

د — تازگی و شادابی دائمی: معمولاً افکار و اندیشه‌ها به تدریج کهنه می‌شوند و با پیشرفت فرهنگ و دانش بشری همه یا قسمتی از آن‌ها جای خود را به اندیشه‌های جدید می‌دهند. اما می‌بینیم که قرآن کریم نه تنها با پیشرفت زمانه کهنه نمی‌شود، بلکه افق‌های جدیدی از حکمت و معرفت را به روی جویندگان می‌گشاید. این کتاب، کتاب دیروز، امروز و فرداهای انسان‌هاست. هر چه زمان بگذرد و انسان‌ها به درجات عالی‌تری از فرهنگ و دانش برسند، درخشندگی و شادابی قرآن بیش‌تر نمایان خواهد شد.



### امی بودن پیامبر ﷺ و نوع اعجاز ایشان

از موضوعات شگفت‌انگیز و زیبا عرضه‌ی قرآن کریم توسط پیامبری امی و درس‌نخوانده بود. مورخان نوشته‌اند که در زمان کودکی پیامبر ﷺ و تا قبل از اسلام، آموختن علم در میان مردم حجاز مرسوم نبود و جایی برای درس خواندن وجود نداشت. رسول خدا ﷺ نیز که قبل از تولد، پدر و پس از مدتی مادر خود را از دست داده بود، مطابق رسم زمانه نزد کسی درس نخواند. در عین حال، از همان ابتدای بعثت، آیاتی را بر مردم خواند که برترین معارف را در زمینه‌ی خداپرستی، معاد، انسان‌شناسی، اخلاق و سایر جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی دربرداشت و بزرگ‌ترین دانشمندان را به تکاپو واداشت و فیلسوفان، عارفان و ادیبان را خاضع کرد. خداوند در این باره می‌فرماید:

وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ، مِنْ كِتَابٍ و پیش از آن هیچ نوشته‌ای نمی‌خواندی  
 وَلَا تَحْطُّهُ، بِيَمِينِكَ و با دست خود آن را نمی‌نوشتی  
 إِذَا لَا زَتَابَ الْمُبْطِلُونَ که در آن صورت کجروان به شک می‌افتادند  
 عنکبوت ۴۸



آیا می‌دانید اولین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چه آیاتی بوده است؟

آیا با بررسی این آیات می‌توانید تأییداتی بر الهی بودن آن‌ها نشان دهید؟



دانشمندان و متفکران امروز جهان، حتی کسانی که مسلمان نیستند، وقتی از روی حقیقت‌طلبی این کتاب آسمانی را مطالعه می‌کنند، در برابر عظمت و بزرگی آن احساس خضوع می‌کنند و از این کتاب به بزرگی یاد می‌نمایند که این نشان حضور زنده و شاداب قرآن در دنیای امروز است. به نمونه‌ای از اظهارنظرهای دانشمندان معاصر در این باره توجه کنید<sup>۱</sup>:

۱- آلبرت اینشتین (متفکر و فیزیکدان بزرگ) Albert Einstein

۱- برگرفته از کتاب «قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان»، از محمد مهدی علیقلی و تلخیص کاظم تقی‌زاده (با اندکی تغییر)

قرآن، کتاب جبر یا هندسه یا حساب نیست بلکه مجموعه‌ای از قوانین است که بشر را به راه راست، راهی که بزرگ‌ترین فلاسفه از تعریف آن عاجزند، هدایت می‌کند.

۲- پرفسور هانری کرین (فیلسوف معاصر فرانسوی) H. Corbin

اگر اندیشه‌ی محمد ﷺ خرافی بود و اگر وحی او وحی الهی نبود، هرگز جرات نمی‌کرد بشر را به علم دعوت کند. هیچ یک از افراد بشر و هیچ شیوه‌ی تفکری به اندازه‌ی محمد ﷺ و قرآن، انسان را به دانش دعوت نکرده‌اند؛ تا آن‌جا که در قرآن، نهصد و پنجاه بار از علم، فکر و عقل سخن به میان آمده است.

۳- دکتر گوستاو لوبون (مورخ بزرگ فرانسوی) D. Goustawe Lebon

قرآن که کتاب آسمانی مسلمین است، به تعالیم و دستورات مذهبی منحصر نمی‌شود بلکه مشتمل است بر دستورات سیاسی و اجتماعی، خیرات، نیکی، مهمان‌نوازی، اعتدال در خواهش‌های نفسانی، وفای به عهد، اکرام به والدین، کمک کردن به بیوه و یتیم و سرپرستی آن‌ها، نیکی کردن در مقابل بدی که در موارد متعددی بر آن تأکید شده، و در آن تمام این صفات و خصلت‌های پسندیده تعلیم داده شده است. تعلیمات اخلاقی قرآن به مراتب بالاتر از تعلیمات انجیل است.

۴- لئون تولستوی (فیلسوف و نویسنده‌ی شهیر روسی) Lion Tolstue

هر کس بخواهد سادگی و بی‌پیرایه بودن اسلام را دریابد، باید قرآن مجید را مطالعه کند؛ در آن‌جا قوانین و تعلیماتی بر مبنای حقایق روشن و آشکار صادر و احکام آسان و ساده برای عموم بیان شده است.

۵- پرفسور آرتور جی. آربری (دانشمند و خاورشناس انگلیسی) Artur Gan Arberi

زمانی که به پایان ترجمه‌ی قرآن نزدیک می‌شدم، موضوعی سخت مرا پریشان کرده بود. اما در طول آیام پریشانی، قرآن مرا چنان آرامشی بخشید و چنان حفظ کرد که برای همیشه رهین منتش گردیدم.

۶- جی. ام. رود ویل (اسلام‌شناس انگلیسی) G.M. Rodwel

قرآن، مقام والایی دارد، زیرا نام خداوند و خالق جهان و ستایش او را در میان ملل بت‌پرست نشر داد و آن را به همه کس اعلام کرد. اروپا نباید فراموش کند که مدیون قرآن است. همان کتابی که آفتاب علم را در میان تاریکی قرون وسطا در اروپا جلوه‌گر ساخت.





- ۱- چرا هر پیامبری به داشتن معجزه نیازمند است؟
- ۲- اگر اعجاز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به زمان خودش اختصاص داشت، چه مشکلی پیش می‌آمد؟
- ۳- چرا خداوند در آیه ۸۲ سوره نساء می‌فرماید «اگر قرآن از غیر خدا بود، اختلاف و ناسازگاری بسیاری در آن مشاهده می‌شد»؟



- ۱- کدام پیام قرآن توجه شما را به خود جلب کرده و بر شما تأثیر عمیقی داشته است؟ آن را در قالب یک مقاله یا هر طرح زیبای دیگر در کلاس گزارش کنید.
- ۲- درباره‌ی معجزات پیامبران دیگر تحقیق کنید و توضیح دهید که آن‌ها چگونه با این معجزات حقانیت رسالت خود را ثابت می‌کرده‌اند.



# درس ۵

صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَآلِهِ  
وَسَلَّمَ

## گستره‌ی رسالت پیامبر

رسول خدا ﷺ، به عنوان آخرین پیام‌رسان الهی، به مدت بیست و سه سال مردم را به دین اسلام فراخواند و برای رستگاری آنان و نجاتشان از گمراهی تلاش و مجاهده کرد و با استقامت و صبری بی‌مانند، وظیفه‌ی سنگین رسالت را به پایان رساند. در این درس، می‌خواهیم به این سؤال بپردازیم که قلمرو رسالت پیامبر اکرم ﷺ تا کجاست؟



..... كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ  
 قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ  
 لِّتَتْلُوَ عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ  
 وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ  
 ..... فُلْهُوَ رَبِّي  
 ..... لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ  
 ..... عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ  
 ..... وَإِلَيْهِ مَتَابِ

رعد ۳۰

..... لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ  
 إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ  
 ..... يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ  
 ..... وَيُزَكِّيهِمْ  
 ..... وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ  
 ..... وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ  
 ..... لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

آل عمران ۱۶۴



قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ

فَإِنْ تَوَلَّوْا

پس اگر روی برتابند

فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ

آل عمران ۳۲

بر هیچ مرد و زن مؤمنی روا نیست

که چون خدا و پیامبر او به کاری فرمان دهند

در کارشان به میل خود عمل کنند

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ

إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا

أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا

احزاب ۳۶

يَعْصِ اللَّهَ : خدا را نافرمانی کند

مَنْ : مَنّت گذاشت

مَتَابٍ : بازگشت من

تَتَلَوْ : تلاوت کنی، بخوانی



## قلمرو رسالت

تعلیمات قرآن کریم و روش زندگی رسول خدا ﷺ بیانگر آن است که برنامه‌ی هدایت الهی و رسالت ایشان شامل چهار قلمرو می‌شد.

### ۱- دریافت وحی و رساندن آن به مردم

رسول خدا ﷺ آیات قرآن کریم را به‌طور کامل از فرشته‌ی وحی دریافت می‌کرد و بدون کم و کاست به مردم می‌رساند. برای حفظ پیام الهی و امکان دسترسی مردم به آن، عده‌ای از یاران آن حضرت آیات قرآن را می‌نوشتند. عده‌ی زیادی هم بودند که آیات و سوره‌ها را در سینه‌ی خود حفظ می‌کردند. نویسندگان قرآن را «کاتبان وحی» و حفظ‌کنندگان آیات را «حافظان وحی» می‌نامیدند. اولین و برترین کاتب و حافظ قرآن، حضرت علی رضی الله عنه بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این مسئولیت را به‌طور کامل به انجام رساند و قرآن کریم را تدوین کرد و در اختیار آیندگان قرار داد. اکنون که پانزده قرن از زمان نزول قرآن می‌گذرد، این کتاب آسمانی به همان صورتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله آیات و سوره‌های آن را تنظیم کرده بود، در میان مردم وجود دارد و مشتاقان هدایت به‌آسانی می‌توانند از آن بهره ببرند و راه رستگاری را در کلام خداوند بیابند.



کدام‌یک از آیات ابتدای درس درباره‌ی این مسئولیت رسول

خداست؟

### ۲- تعلیم و تبیین تعالیم دین (مرجعیت علمی)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تنها رساننده‌ی وحی نبود بلکه وظیفه‌ی تفسیر و تبیین قرآن کریم را نیز برعهده داشت تا مردم بتوانند به معارف بلند این کتاب آسمانی دست یابند و جزئیات احکام و قوانین را بفهمند و شیوه‌ی عمل کردن به آن را بیاموزند. از این رو، گفتار و رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله اولین و معتبرترین مرجع علمی برای فهم عمیق آیات الهی است و مسلمانان با مراجعه به آن، روش انجام دادن بسیاری از

دستورات قرآن را می‌آموزند و به معنای واقعی بسیاری از معارف این کتاب بی‌می‌برند. ما هم اکنون، نماز، روزه، حج و بسیاری دیگر از وظایف خود را که کلیات آن‌ها در قرآن کریم آمده، مطابق گفتار و رفتار رسول خدا ﷺ انجام می‌دهیم. به‌راستی که ایشان اولین و بزرگ‌ترین معلم قرآن بوده است.



کدام یک از آیات ابتدای درس، بیانگر این قلمرو رسالت رسول خدا ﷺ است؟ آن را بنویسید.

### ۳- ولایت و سرپرستی جامعه برای اجرای قوانین الهی (ولایت ظاهری)

دیگر قلمرو رسالت پیامبر اکرم ﷺ ولایت بر جامعه و پیاده کردن قوانین اسلام و اجرای قوانین و احکام الهی در جامعه بود. به همین جهت، به محض این که مردم مدینه اسلام را پذیرفتند و ایشان به مدینه هجرت کرد، به کمک مردم آن شهر و مهاجرانی که از مکه آمده بودند، حکومتی را که بر مبنای قوانین اسلام اداره می‌شد، پی‌ریزی نمود. ایشان مسجد مدینه را که در همان روزهای اول ورود به شهر ساخته شد، محل حکومت و رهبری خود قرار داد و به تدریج و با توسعه‌ی کشور اسلامی، احکام خداوند را در همه‌ی ابعاد سیاسی، اقتصادی، قضایی، نظامی و فرهنگی، با کمک مردم به اجرا درآورد و به گسترش عدالت پرداخت.

روایات متعددی از معصومین علیهم‌السلام نقل شده است که اسلام را بر «پنج پایه» استوار دانسته و از میان آن‌ها «ولایت» را مهم‌ترین پایه شمرده‌اند. از جمله‌ی آن‌ها این حدیث از امام باقر علیه‌السلام است:

اسلام بر پنج پایه استوار است

بر نماز و زکات

بُنَى الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ

عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ

وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ  
 وَ لَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ  
 و روزه و حج و ولایت  
 و آن طور که به ولایت دعوت شده  
 کَمَا نُوَدِّي بِالْوَلَايَةِ  
 به چیز دیگری دعوت نشده است.<sup>۱</sup>

این حدیث از اهمیت بسیار بالای ولایت حکایت می‌کند. زیرا وقتی ولایت و حکومت اسلامی تشکیل شود، فرصت برای اجرای تمام احکام دین از جمله نماز، زکات، روزه و حج فراهم می‌شود و مردم اعمال خود را در سایه‌ی ولایت الهی انجام می‌دهند.

**سؤال:** چرا جامعه‌ی اسلامی نیازمند ولایت و حکومت اسلامی است و رهبری اسلامی جزء احکام بسیار مهم شمرده شده است؟

در پاسخ به این سؤال، دلایل زیر را ذکر می‌کنیم:

**الف — جامعیت دین اسلام:** اسلام یک دین کامل و دربردارنده‌ی هدایت انسان در همه‌ی ابعاد آن است. همان‌طور که حیات فردی و اجتماعی انسان امری به هم پیوسته و یک پارچه است، برنامه‌ی هدایت وی نیز جامع و یک پارچه است و همه‌ی بخش‌های زندگی را دربرمی‌گیرد. مهم‌ترین بخش زندگی اجتماعی، حکومت و اداره‌ی جامعه و تنظیم روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. چگونه ممکن است یک دین کامل، از این بخش زندگی که بر همه‌ی بخش‌ها تأثیر جدی می‌گذارد، غافل بماند و مردم را به یک نظام حکومتی درست راهنمایی نکند؟

**ب — ضرورت اجرای احکام اسلامی مانند عدالت اجتماعی:** یکی از اهداف ارسال پیامبران آن بود که مردم، جامعه‌ای بر پایه‌ی عدل بنا کنند و روابط مردمی و زندگی اجتماعی خود را براساس قوانین عادلانه بنا نهند. این هدف بزرگ بدون وجود یک نظام حکومتی سالم میسر نیست. آیا می‌شود که خداوند هدفی را برای ارسال پیامبر خود تعیین کند ولی ابزار و شیوه‌ی رسیدن به آن را نادیده بگیرد؟ همچنین قرآن کریم برای رسیدن به جامعه‌ی عادلانه احکامی مانند خمس، زکات، حفظ استقلال جامعه و نفی سلطه‌ی بیگانگان، امر به معروف، نهی از منکر، مبارزه با ظلم و جهاد دارد. آیا اجرای این قوانین بدون تشکیل حکومت اسلامی امکان‌پذیر است؟

۱- بحار الانوار، ج ۶۸، باب ۲۷، روایت ۱

ج — ضرورت پذیرش ولایت الهی و دوری از حکومت طاغوت: ولی و سرپرست حقیقی انسان‌ها خداست و به همین جهت، فرمانبرداری و اطاعت از دستورهای او یا کسانی که خود معین کرده، ضروری و واجب است. اجرای هر قانون و پیروی از هر کس هنگامی صحیح است که به گونه‌ای به قانون الهی و فرمان او باز گردد.

کسانی که به مردم فرمان می‌دهند و قانون‌گذاری می‌کنند، در حالی که خداوند آن‌ها را تعیین نکرده و فرمان و قانون‌نشان نشأت گرفته از قرآن، یعنی برخاسته از فرمان الهی نیست، «طاغوت» نامیده می‌شوند. مراجعه‌ی به «طاغوت» و انجام دستورهای وی بر مسلمانان حرام است.

با توجه به این واقعیت، آیا می‌توان بدون تشکیل حکومت و نظام اسلامی از قانون و فرمان «طاغوت» نجات یافت و فقط از فرمان الهی تبعیت کرد؟

## تفکر در آیات

در آیه‌ی زیر تفکر کنید و جمله‌هایی را که بعد از آیه آمده، را تکمیل نمایید.

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا  
 يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ  
 وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ  
 يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ  
 أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ  
 هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

بقره ۲۵۷

۱- کسی می‌تواند از تاریکی به نور درآید که .....

..... و .....

۲- آنان که فرمان الهی را نپذیرند .....

.....

۳- قبول ولایت الهی به زمان خاصی مربوط .....

.....

نتیجه: بررسی بندهای «الف» تا «ج» به ما نشان می‌دهد که حکومت و نظام اسلامی یکی از اجزای مهم دین اسلام است و بدون آن، جامعه‌ی موردنظر اسلام برپا نمی‌شود.



امام خمینی «ره» رهبر کبیر انقلاب اسلامی، بزرگ‌ترین شخصیت عصر حاضر است که به تبیین ضرورت حکومت اسلامی پرداخته و با بیان روشنگرانه‌ی خود، توجه مردم را بدان جلب کرده است. در سخنانی که از ایشان نقل می‌شود، بیندیشید و ببینید که با کدام یک از بندهای «الف» تا «ج» ارتباط دارند. توجه داشته باشید که ممکن است برخی از جمله‌ها با دو یا سه بند ارتباط داشته باشد.



ارتباط	سخنان امام خمینی «ره»
	به این دلیل که هر نظام سیاسی غیر اسلامی، نظامی شرک آمیز است، چون حاکمش «طاغوت» است، ما موظفیم آثار شرک را از جامعه‌ی مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم. <sup>۱</sup>
	مذهب اسلام هم‌زمان با این که به انسان می‌گوید که خدا را عبادت کن و چگونه عبادت کن، به او می‌گوید چگونه زندگی کن و روابط خود را با سایر انسان‌ها چگونه باید تنظیم کنی و حتی جامعه‌ی اسلامی با سایر جوامع چگونه روابطی باید برقرار نماید. هیچ حرکتی و عملی از فرد و جامعه نیست، مگر این که مذهب اسلام برای آن حکمی مقرر داشته است. <sup>۲</sup>
	مجموعه‌ی قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای این که قانون مایه‌ی اصلاح بشر شود، به قوه‌ی اجراییه و مجری احتیاج دارد. به همین جهت، خداوند متعال در کنار فرستادن یک مجموعه قانون – یعنی احکام شرع – یک حکومت و دستگاه اجرا و اداره مستقر کرده است. رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> در رأس تشکیلات اجرایی و اداری جامعه‌ی مسلمانان قرار داشت. <sup>۳</sup>
	با دقت در ماهیت و کیفیت احکام شرع در می‌یابیم که اجرای آن‌ها و عمل به آن‌ها مستلزم تشکیل حکومت است و بدون تأسیس یک دستگاه عظیم و پهناور اجرا و اداره نمی‌توان به وظیفه‌ی اجرای احکام الهی عمل کرد. <sup>۴</sup>

## نمره‌ی بزرگ

از نتایج ارزشمند تشکیل حکومت اسلامی و دادن سرپرستی جامعه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و جانشینان بر حق ایشان در همه‌ی زمان‌ها، تحقق یکی از مهم‌ترین فرمان‌های خداوند، یعنی حفظ استقلال جامعه است. قرآن کریم بر این مطلب تأکید می‌کند و می‌فرماید:

۲- صحیفه‌ی نور، ج ۴، ص ۱۶۷ و ۱۶۸

۴- ولایت فقیه، ص ۲۶ تا ۳۴

۱- ولایت فقیه، امام خمینی، ص ۴۰

۳- ولایت فقیه، امام خمینی، ص ۱۸

...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ  
عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا  
و خداوند هرگز برای کافران  
به زیان مؤمنان راهی قرار نداده است.

نساء ۱۴۱

وقتی حکومت اسلامی، با آن رهبری که خداوند معین فرموده، تشکیل می‌شود، می‌تواند روابط سیاسی، تجاری و فرهنگی را به گونه‌ای تنظیم کند که جامعه‌ی اسلامی استقلال خود را حفظ کند و بیگانگان راهی برای تسلط بر مسلمانان نیابند.

#### ۴- ولایت معنوی

برترین و بالاترین قلمرو رسالت پیامبر اکرم ﷺ ولایت معنوی است. برای آگاهی بهتر این قلمرو، به مقدمه‌ی زیر توجه کنید.

خداوند، خالق موجودات و ولی و سرپرست آنهاست. یعنی با قوانینی که بر عالم حاکم کرده است، جهان را اداره می‌کند و در آنها دخل و تصرف می‌نماید. البته چون خداوند حکیم است، این اداره کردن در جهت رساندن مخلوقات به کمال و خوبی‌هاست.

علاوه بر این ولایت همگانی و عام، خداوند یک ولایت اختصاصی نیز دارد. این ولایت برای کسانی است که به مراحل بالای ایمان می‌رسند و با میل و رغبت مطیع و فرمان‌بردار او می‌شوند، خود را یکسره به او می‌سپارند و اراده و خواست او را بر اراده و خواست خود مقدم می‌دارند. آنان به خدای خود گفته‌اند: خدایا، آن‌گونه که خودت می‌پسندی ما را تربیت کن و هدایت نما. زبان حال آنان چنین است:

در دایره‌ی قسمت، ما نقطه‌ی تسلیمیم      لطف آنچه تو اندیشی، حکم آنچه تو فرمایی<sup>۱</sup>

خداوند درخواست مخلصانه‌ی آنان را اجابت می‌کند، روح و نفس آنان را سرپرستی و ولایت

می کند و از ظلمت‌ها و تاریکی‌ها درمی آورد و به نور و روشنایی می‌رساند؛<sup>۱</sup> تا آن جا که از هر نگرانی و حزن و اندوه رها می‌شوند و در سرور و شادی وصف‌ناپذیری در می‌آیند.<sup>۲</sup> پرده‌های حجاب از جلو چشم دلشان کنار می‌رود و ماورای جهان طبیعت و عالم غیب را مشاهده می‌کنند.

در این میان، رابطه‌ی خداوند با پیامبر اکرم ﷺ یک رابطه‌ی خاص‌تر و استثنایی است.<sup>۳</sup> با توجه به لیاقت و ظرفیت و استعداد خاصی که خداوند به ایشان عنایت کرده بود و ایشان می‌بایست مسئولیت رسالت و هدایت انسان‌ها را بر دوش بگیرد و آخرین پیامبر الهی باشد، خداوند از هنگام تولد، ایشان را تحت تربیت خود گرفت و روح و جانش را چنان هدایت کرد که قلبش از معرفت و محبت الهی نورانی شد، عوالم غیب را در نور دید و به بالاترین مرتبه در عالم خلقت نائل آمد. گرچه این مقام و مرتبه از درک ما انسان‌های عادی فراتر است، اما شایسته است بدانیم که با رسیدن رسول خدا ﷺ به این مرتبه از کمال، خداوند لطف خود را به پیامبرش کامل کرد و ایشان را واسطه‌ی فیض و رحمت و برکت به مخلوقات و بندگان قرار داد و تجلی بخش اسماء و صفات خود گردانید. یعنی مرتبه‌ای از ولایت و سرپرستی مخلوقات را به ایشان اعطا کرد. این مرتبه‌ی از ولایت را که کاملاً به اذن خداست، «ولایت معنوی» می‌نامند. به واسطه‌ی این ولایت، پیامبر اکرم ﷺ واسطه‌ی همه‌ی خیرات و برکات مادی و معنوی به مخلوقات و از جمله، انسان‌هاست. ایشان به اذن خداوند می‌تواند در عالم طبیعت تصرف کند، معجزات را انجام دهد، بیماران را شفا بخشد و کراماتی از این قبیل داشته باشد. از برکات معنوی این ولایت، آن بود که پیامبر اکرم ﷺ روح و جان مؤمنانی را که خالصانه و بی‌ریا خود را به ایشان می‌سپردند، نه از راه آموزش معمولی و عمومی، بلکه از طریق معنوی و غیبی پرورش می‌داد و به کمال و تقرب الهی می‌رساند.

نمونه‌ی کامل چنین تربیتی، حضرت علی علیه السلام است. ایشان از کودکی با رسول خدا ﷺ بود و علاوه بر تربیت معمولی، از پرورش غیبی و معنوی بهره می‌برد.<sup>۴</sup> برای نمونه، ایشان فرموده است:

۱- بقره ۲۵۷

۲- یونس ۶۲ تا ۶۴

۳- این رابطه‌ی ویژه بعد از پیامبر اکرم ﷺ برای حضرت فاطمه علیها السلام و ائمه اطهار علیهم السلام هم برقرار است که در آینده توضیح داده خواهد شد.

۴- نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۸۷

رسول خدا ﷺ دری از علم به روی من گشود که از آن، هزار در دیگر گشوده می‌شد.<sup>۱</sup> روشن است که گشودن هزار در علم، از طریق آموختن معمولی نبود، بلکه آموزشی باطنی و معنوی بود که چگونگی آن بر ما چندان آشکار نیست.

بهره‌مندی انسان‌ها از این هدایت معنوی که نتیجه‌ی ولایت معنوی است، به درجه‌ی ایمان، اخلاص و عمل بستگی دارد و مؤمنان، به میزانی که چشم باطنشان باز شود و پرده‌هایی از عالم غیب کنار رود، مرتبه‌ای از این ولایت را درک می‌کنند و درمی‌یابند که خداوند چه نقش بزرگ و عظیمی در هدایت معنوی انسان‌ها بر عهده‌ی رسول خدا ﷺ گذاشته است، نقشی بسیار رفیع‌تر از نقش فرشتگان؛ چرا که جایگاه رسول خدا ﷺ نزد خداوند برای هیچ فرشته‌ای دست یافتنی نیست.

## برای مطالعه

اویس، جوانی از اهل یمن بود که بدون این که رسول خدا ﷺ را ببیند به ایشان ایمان آورد. وی همواره مشتاق دیدن پیامبر بود ولی موفق به دیدن ایشان نشد. یک‌بار هم برای دیدار، به مدینه آمد، رسول خدا در مدینه نبود و ناچار شد به سرعت به شهر خود بازگردد. زیرا مادر پیر و سالخورده‌ای داشت و خود را وقف نگهداری او کرده بود. عشق و ارادت اویس به رسول خدا بسیار قوی بود. رسول خدا نیز به ایشان محبت داشت و گاه می‌فرمود رایحه‌ی بهشت را از یمن استشمام می‌کنم. اویس از همان دور توسط رسول خدا تربیت شد و به درجات بالایی از کمال رسید. پس از رحلت رسول خدا ﷺ خدمت امام علی ع رسید و از یاران با اخلاص ایشان شد و بالاخره در جنگ صفین به شهادت رسید.

۱- بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۷۰، باب اول



- ۱- آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی شوری را مطالعه کنید و ببینید که این آیه بر کدام یک از قلمروهای رسالت پیامبر دلالت دارد.
- ۲- مهم‌ترین پیام‌های درس را مشخص کنید.



- ۱- اگر بخواهید یکی از ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله را انتخاب کنید و ایشان را از آن زاویه توصیف کنید، کدام را انتخاب می‌کنید؟ با انتخاب و توصیف خود، توانایی‌تان را تجربه کنید.
- ۲- اگر شعر، قطعه‌ی ادبی، حدیث یا داستان کوتاه زیبایی درباره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانید، آن را بنویسید و در کلاس بخوانید.



# درس ۶



# تداوم رسالت

قرآن کریم، آخرین کتاب آسمانی و رسول خدا ﷺ خاتم الانبیاست؛ بنابراین، آنچه را پیامبر اکرم ﷺ حلال کرده است، تا روز قیامت حلال خواهد بود و آنچه را حرام کرده است، تا آن هنگام حرام خواهد ماند.<sup>۱</sup>

اکنون جای طرح این سؤال است که با توجه به توسعه‌ی جوامع و تنوع یافتن مسائل و موضوعات زندگی در بستر زمان، راه حل دین اسلام برای تداوم رسالت و اجرای احکام الهی در همه‌ی زمان‌ها چیست؟

۱- وسائل الشیعة، حر عاملی، ج ۱۸، ص ۵۶۹

.....	يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
.....	أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ
و صاحبان امر که از شما بید	وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ
و اگر در چیزی ستیزه و نزاع کردید	فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ
آن را به خدا و پیامبر باز گردانید	فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ
.....	إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
.....	ذَلِكَ خَيْرٌ
و سرانجامی نیکوتر است.	و أَحْسَنُ تَأْوِيلًا
.....	الَّذِينَ تَرَى إِلَى الَّذِينَ
آیا ندیدی کسانی را که	يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا
گمان می کنند ایمان دارند	بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ
.....	وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ
.....	يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا
می خواهند داوری	إِلَى الطَّاغُوتِ
نزد طاغوت برند	وَقَدْ أَمَرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ
در حالی که فرمان دارند به او کافر باشند	و يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ
.....	ضَلَالًا بَعِيدًا
.....	

## پیام آیات

۱- هر مسلمانی، در هر عصر و زمانی که زندگی می‌کند، باید در کارهای خود فرمانبردار خداوند، پیامبر اکرم و ولیّ امر باشد.

این ولیّ امر کیست؟

۲- اگر مسلمانان در زندگی اجتماعی خود به اختلاف و کشمکش دچار شدند، باید اختلاف خود را پیش خدا و رسول برند و این، نشانه‌ی ایمان آن‌ها به خدا و رسول است. در زمانی که رسول خدا ﷺ در میان مردم نیست، این دستور چگونه قابل اجراست؟

۳- کسانی که می‌پندارند به دین خدا ایمان دارند، اما به طاغوت مراجعه می‌کنند و حل مشکلات اجتماعی را از او می‌خواهند، شیطان آنان را فریب داده است و در گمراهی آشکار به سر می‌برند.

در زمانی که رسول خدا ﷺ در میان مردم نیست، برای مسائل اجتماعی به چه کسی باید مراجعه کرد که مصداق طاغوت نباشد؟

برای رسیدن به پاسخ این سؤال‌ها، لازم است بینیم کدام یک از قلمروهای چهارگانه‌ی رسالت باید پس از ایشان ادامه یابد و کدام یک با رحلت ایشان پایان می‌پذیرد.

قلمرو اول رسالت - یعنی دریافت و ابلاغ وحی - با آمدن قرآن پایان می‌یابد و پس از رسول خدا ﷺ احکام و دستورات جدیدی به عنوان وحی از طرف خداوند نمی‌آید؛ زیرا با وجود «کتاب الهی» در میان مردم و محفوظ ماندن آن از تحریف و دگرگونی، دیگر به ارسال وحی و کتاب آسمانی جدید نیازی نیست؛ بنابراین، نبوت پایان می‌یابد و پیامبر اکرم ﷺ «خاتم النبیین» می‌شود.

## ضرورت تداوم قلمروهای سه‌گانه‌ی رسالت

سه قلمرو دیگر از قلمروهای رسالت پیامبر ﷺ به زمان ایشان اختصاص ندارد و به همان دلالی که در زمان ایشان، جامعه به پیشوایی عالم و معصوم نیازمند است، پس از ایشان نیز نیازمند چنین پیشوایی است که مرجعیت علمی مردم را برعهده بگیرد و آیات قرآن کریم و احکام دین را تبیین کند، با زمامداری عادلانه‌ی خویش جامعه‌ی توحیدی را رهبری نماید و با ولایت معنوی، واسطه‌ی فیض و رحمت الهی به مخلوقات و مردمان باشد و به خصوص، دل‌های مستعد و آماده را با ارتباط باطنی و معنوی خود، به مراحل بالای کمال و معرفت رساند. پس، همان‌طور که پیامبر اکرم ﷺ با علم

و عصمت خود نگهبان دین و رهبر مردم بود، باید خدای متعال کسی را که در اوصاف کمالی و عصمت مانند ایشان باشد، به جای وی بگمارد که معارف و احکام دین را نگهبانی کند و مردم را رهبری نماید.<sup>۱</sup> اگر خوب توجه کنیم، نیاز به امام پس از پیامبر نه تنها از بین نمی‌رود، بلکه بیش‌تر هم می‌شود؛ زیرا با گذشت زمان و گسترش سرزمین اسلامی، فرقه‌ها و اندیشه‌های مختلف، مسائل جدید و طرز فکرهای گوناگون به وجود می‌آیند. همچنین، روابط اجتماعی به مرحله‌ی پیچیده‌تری وارد می‌شود و به احکام و قوانین جدیدی نیاز پیدا می‌کند که بدون وجود یک مفسر معتبر وحی، پاسخ‌گویی صحیح به این نیازها ممکن نیست. به همین جهت بود که رسول خدا ﷺ در کنار قرآن کریم از میراث گران‌قدر «عترت» سخن گفت و فرمود که پیروی از این دو برای همیشه، مسلمانان را از گمراهی حفظ می‌کند<sup>۲</sup> و راه مستقیم را به آنان می‌نمایاند.

## تفکر در حدیث

با توجه به توضیحات قبل، در این حدیث بیندیشید و ببینید چرا

پیامبر فرموده است:

هر کس بمیرد

مَنْ مَاتَ

و امام زمان خود را نشناخته باشد

وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ

به مرگ جاهلی مرده است.<sup>۳</sup>

مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً

### تعیین امام

اکنون که نیاز به امام پس از رسول خدا ﷺ روشن شده این سؤال پیش می‌آید که چه کسی امام را معین و معرفی می‌کند و چگونه می‌توان او را شناخت.

۱- اصول اعتقادی و دستورات دینی، علامه‌ی طباطبایی، ج ۲، ص ۱۹۹.

۲- این حدیث که به حدیث تقلین مشهور است، در صفحات آینده خواهد آمد.

۳- الغدير، علامه‌ی امینی، ج ۱ ص ۳۵۹، به نقل از بزرگان اهل سنت مانند تفتازانی در کتاب شرح مقاصد، ج ۲، ص ۲۷۵

از آن جا که امام همه‌ی مسئولیت‌های پیامبر اکرم ﷺ جز دریافت و ابلاغ وحی را دارد، باید از صفات و ویژگی‌های خاص پیامبر برخوردار باشد تا مردم در درستی راهنمایی‌ها و فرمان‌های وی به یقین و اطمینان برسند. از جمله‌ی این ویژگی‌ها «عصمت» است. تشخیص دادن این ویژگی برای انسان‌ها ممکن نیست؛ بنابراین، همان‌طور که پیامبر از طرف خدا معین می‌شود، تنها کسی که می‌تواند فرد شایسته‌ی مقام امامت را معرفی کند، خداست. و او این کار را از طریق قرآن کریم و پیامبر (ص) انجام می‌دهد. در این قسمت، به چگونگی تعیین امام از طریق قرآن و پیامبر ﷺ می‌پردازیم.

۱- معرفی امام در مراسم دعوت خویشان: حدود سه سال از بعثت گذشته بود که خداوند به پیامبر دستور داد در یک دعوت آشکار، خویشان خود را انداز کند.<sup>۱</sup> رسول خدا ﷺ چهل نفر از بزرگان بنی‌هاشم را دعوت کرد و درباره‌ی اسلام با آنان سخن گفت و در پایان به آنان فرمود:

کدام یک از شما مرا در این راه کمک می‌دهد تا برادر من، وصی من و خلیفه‌ی

من در میان شما باشد؟

همه‌ی مهمانان سکوت کردند. در میان سکوت آنان که به پیروزی و گسترش دین پیامبر امیدي نداشتند، علی بن ابی‌طالب رضی الله عنه که در آن زمان نوجوانی بیش نبود، برخاست و گفت:

«من یار و یاور تو خواهم بود، ای رسول خدا!»

درخواست پیامبر ﷺ سه بار تکرار شد و هر بار همه سکوت کردند و تنها علی رضی الله عنه قاطعانه اعلام آمادگی و وفاداری کرد. پس از آن، پیامبر ﷺ دست ایشان را در دست گرفت، بیعت ایشان را پذیرفت و به مهمانان فرمود:

«همانا این، برادر من، وصی من و جانشین من در میان شما خواهد بود؛ فرمانش

را بشنوید و از او اطاعت کنید.»<sup>۲</sup>

۱- شعراء ۲۱۴ و ۲۱۵

۲- تاریخ طبری، ج ۲ ص ۶۲ و ۶۳ و کنز العمال، ج ۶، ص ۳۹۷ و تاریخ پیامبر اسلام از دکتر محمد آیتی؛ برای مطالعه‌ی کامل داستان، به کتاب سلام بر خورشید از سیدعلی اکبر حسینی، ج ۱، ص ۱۷۱ مراجعه کنید.



چرا پیامبر اکرم ﷺ در شرایطی که حتی خویشانش نیز دعوت او را نپذیرفته بودند، جانشین خود را معین کرد؟ انجام دادن این کار در ابتدای دعوتش به چه معناست؟

۲- نزول آیهی ولایت: در یکی از روزها، نزدیک ظهر، فرشتهی وحی آمد و این آیه را از سوی خداوند برای پیامبر آورد:

وَلِيَّ شِمَا تَهَا خِدا وَ رَسولِ او	﴿ اِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ وَ رَسولُهُ
.....	وَ الَّذينَ ءَامَنُوا
.....	الَّذينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ
.....	وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ
در حالی که رکوع می‌کنند	وَ هُمْ رَاكِعُونَ

مأئده ۵۵

پس از نزول آیه، پیامبر اکرم ﷺ برخاستند و در حالی که آیه را می‌خواندند، با شتاب به مسجد آمدند و پرسیدند:

آیا کسی در حال رکوع صدقه داده است؟  
 فقیری که انگشتری در دست داشت، به حضرت علی رضی الله عنه که در حال نماز بود، اشاره کرد و گفت:  
 «آری، این مرد در حال رکوع، انگشتری خود را به من بخشید.»  
 صدای تکبیر یاران بلند شد و رسول خدا ﷺ ستایش و سپاس خداوند را به جا آورد.



در جریان این واقعه، قرآن کریم یک معیار و ملاک را برای ولایت پس از پیامبر تعیین کرد و رسول خدا ﷺ مصداق آن را به مردم نشان داد. نزول این آیات در هنگام انجام واقعه‌ای که مردم ناظر آن بودند و اعلام این حقیقت از جانب رسول خدا ﷺ که مصداق آیه امام علی عَلَيْهِ السَّلَام است، برای آن بود که مردم به چشم خود ببینند و از زبان پیامبر بشنوند و امکان کتمان و مخفی کردن آن از بین برود.<sup>۱</sup>

۳- نزول آیه‌ی تطهیر: اُمّ سلمه، همسر رسول خدا ﷺ، می‌گوید: «روزی ایشان در اتاق من استراحت می‌کرد که دختر بزرگوارش فاطمه‌ی زهرا (س) وارد شد. پیامبر عَلَيْهِ السَّلَام ایشان را به کنار خود دعوت کرد. حضرت فاطمه (س) نزد پیامبر رفت و در کنار ایشان قرار گرفت. پس از وی به ترتیب، حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام، امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام و امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام آمدند. رسول خدا ﷺ آنان را نیز در کنار خود جای داد. آن گاه برای آنان دعا کرد و فرمود:

«خدایا! اینان اهل بیت من اند؛ آنان را از هر پلیدی و ناپاکی حفظ کن!»

در همین زمان فرشته‌ی وحی آمد و این آیه نازل شد:

<p>همانا خدا اراده کرده که دور گرداند از شما اهل بیت پلیدی و ناپاکی<sup>۲</sup> را و شما را کاملاً پاک و طاهر قرار دهد</p> <p>احزاب ۳۳</p>	<p>... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا</p>
--	---

ام سلمه می‌گوید: «من هم پیش رفتم که در کنار آن‌ها قرار بگیرم تا از این افتخار بزرگ سهمی داشته و جزء اهل بیت باشم اما رسول خدا ﷺ فرمود:

«ای ام‌سلمه، نه، تو همسر من هستی و عاقبت نیکویی داری اما اینان اهل بیت من اند.»

۱- ۶۶ نفر از مفسران، مورخان و بزرگان اهل سنت، از جمله طبری، رازی، ثعلبی، قشیری، خوارزمی، ابن حجر و ابن کثیر این آیه را درباره‌ی حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام دانسته‌اند. برای کسب اطلاعات بیشتر، به کتاب‌الغدیر از علامه‌ی امینی، ج ۲، ص ۱۵۶ مراجعه کنید.

۲- مقصود از پلیدی و ناپاکی، هرگونه گناه و آلودگی اخلاقی است.

برای این که مردم از این موضوع مطلع شوند، پیامبر مدت‌ها هر روز صبح، هنگام رفتن به مسجد از در خانه‌ی فاطمه - رضی الله عنها می‌گذشت و اهل خانه را «اهل بیت» صدا می‌زد و آیه‌ی تطهیر را می‌خواند.<sup>۱</sup>

## استخراج پیام



این واقعه در بردارنده‌ی پیام‌های مهمی است. درباره‌ی آن بیندیشید و آن پیام‌ها را استخراج کنید.

۱- این واقعه، عصمت حضرت علی، حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین رضی الله عنهم را اعلام می‌کند.

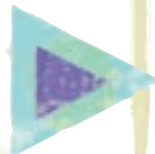
۲- .....

.....

۳- .....

.....

## برای مطالعه



نشانه‌های دیگری وجود دارد که نشان می‌دهد کلمه‌ی «اهل بیت» در این آیه به‌طور خاص به‌کار رفته است<sup>۲</sup> و سایر وابستگان، از جمله همسران پیامبر را شامل نمی‌شود:

۱- کتاب‌های بزرگ اهل سنت، مانند صحیح مسلم، صحیح ترمذی، صحیح بخاری، مسند احمد بن حنبل، سنن بیهقی، الدر المنثور سیوطی و اُسْدُ الْغَابَةِ ابن اثیر، آیه‌ی تطهیر را در حق همین پنج تن نقل کرده‌اند (غایة المرام، ص ۲۸۱).

۲- در قرآن کریم هم کلمه‌ی «اهل» برای اعضای خاصی از خانواده به‌کار رفته است. آن‌گاه که عذاب الهی بر قوم نوح علیهم السلام نازل شد و آب همه‌جا را گرفت، فرزند نوح علیه السلام نیز که از کافران بود، در حال غرق شدن، در آب دست و پا می‌زد. حضرت نوح علیه السلام که او را در میان آب دید، روبه خدا کرد و گفت: خدایا، این از اهل و خانواده‌ی من است. اما با این که او فرزند نوح بود، خداوند فرمود: او از اهل تو نیست. یعنی، او لیاقت ندارد جزء خانواده‌ی تو باشد؛ زیرا اهلیت، ویژگی‌های خاصی را می‌طلبد که در پسر حضرت نوح علیه السلام نبود. در این حدیث نیز پیامبر صلی الله علیه و آله با این عمل خود نشان داد که فقط این چهار نفر اعضای معصوم خانواده‌اند.

- ۱- رسول خدا ﷺ فقط این چهار نفر را کنار خود پذیرفت و در هنگام دعا فرمود «اینان از اهل بیت من اند». بلکه فرمود: «اینان اهل بیت من اند.»
- ۲- نقل کننده‌ی داستان، ام سلمه همسر پیامبر ﷺ است. پیامبر ﷺ او را از آمدن در کنار خود منع کرد تا نشان دهد که «اهل بیت معصوم» همین افرادند.
- ۳- این آیه پاکی و عصمت کامل را بیان می‌کند. هیچ یک از همسران پیامبر ﷺ ادعای عصمت نکرده‌اند و خود را از گناه مبرا ندانسته‌اند.
- ۴- در تاریخ ذکر نشده است که همسران رسول خدا ﷺ، چه در زمان پیامبر ﷺ و چه پس از رحلت ایشان، آیه‌ی تطهیر را در مورد خود به کار ببرند و از این آیه برای اثبات بی‌گناهی خود استفاده کنند.
- ۵- آیات دیگری در قرآن هست که سربچی و نافرمانی برخی همسران رسول خدا ﷺ را یادآوری و آنان را به خاطر نافرمانی توبیخ می‌کند. (از جمله آیات ۱ تا ۵ سوره‌ی مبارکه که تحریم)
- از آن جا که در زمان رسول خدا ﷺ فقط امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام حضور داشتند، در این داستان تنها نام این چهار بزرگوار ذکر شده است. در سخنان دیگر پیامبر ﷺ، و ائمه علیهم‌السلام، امامان دیگر هم جزء اهل بیت شمرده شده‌اند.

۱- ممکن است بپرسید: چرا رسول خدا همسران متعدد داشته است؟

رسول خدا ﷺ در سن ۲۵ سالگی با حضرت خدیجه ازدواج کرد. قبل از آن نیز با این که دوران جوانی را می‌گذراند، به پاکدامنی و عفاف مشهور بود. توجه به خداوند، پرورش روح خود و نجات مردم چنان ایشان را مشغول کرده بود که توجهی به ازدواج نداشت؛ تا این که پیک حضرت خدیجه آمد و علاقه‌مندی وی را به اطلاع رسول خدا ﷺ رساند. حضرت خدیجه ۳۵ سال داشت و ۱۰ سال از رسول خدا بزرگ‌تر بود و قبلاً نیز ازدواج کرده بود. اما چون پیامبر اکرم از شخصیت اصیل، عفاف و پاکی وی خبر داشت، به خواستگاری خدیجه رفت. این درحالی بود که زیبایی ظاهری، اخلاق نیکو و اصالت خانوادگی رسول خدا به گونه‌ای بود که دختران بزرگان شهر طالب ازدواج با او بودند.

رسول خدا در تمام دوران زندگی با حضرت خدیجه، یعنی تا سن ۵۳ سالگی همسر دیگری نگزید و تمام دوران جوانی، میان سالی و تا آستانه‌ی بری را فقط با وی گذراند. آن هم در جامعه‌ای که ارتباط با زنان دیگر هیچ منعی نداشت. این شیوه‌ی رفتار گویای آن است که هوس‌رانی در وجود پیامبر ما راه نداشت و اگر پس از آن با همسران دیگری ازدواج کرد، هرکدام به خاطر مصلحت خاصی برای آن همسر یا شرایط اجتماعی اسلام یا قبیله‌ی آن همسر بود که در این جا نمی‌توان به تمام آن‌ها پرداخت.

#### ۴- حدیث جابر: وقتی آیه‌ی

یا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا

أَطِيعُوا اللَّهَ

وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ

وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ

و صاحبان امر که از شمايند

نساء ۵۹

نازل شد، جابر بن عبدالله انصاری به ایشان گفت: «یا رسول الله، ما خدا و رسول او را شناخته‌ایم. لازم است «اولوا الامر» را هم بشناسیم.» رسول خدا ﷺ فرمود:

«ای جابر، آنان جانشینان من و امامان بعد از من اند. نخستین آنان علی بن ابی طالب است و سپس به ترتیب: حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن الحسین، محمد بن علی — که در تورات به «باقر» معروف است — و تو در هنگام پیری او را خواهی دید و هر وقت او را دیدی، سلام مرا به او برسان. پس از محمد بن علی نیز به ترتیب، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و پس از ایشان فرزندش می‌باشد که هم نام و هم کنیه‌ی من است.<sup>۱</sup> اوست که از نظر مردم پنهان می‌شود و غیبت او طولانی می‌گردد تا آنجا که فقط افرادی که ایمان راسخ دارند، بر عقیده‌ی به او باقی می‌مانند.<sup>۲</sup>»

۵- حدیث منزلت: وقتی خداوند حضرت موسی عليه السلام را مأمور مبارزه با فرعون کرد، آن حضرت از خداوند خواست که برادرش هارون را مشاور، پشتیبان و شریک در امر هدایت قرار دهد. خداوند نیز درخواست حضرت موسی عليه السلام را پذیرفت.<sup>۳</sup>

۱- کنیه‌ی پیامبر «ابوالقاسم» است.

۲- کفایة الاثر، چاپ قدیم، ص ۸ و منابع المودة، ص ۴۹۴ و اثبات الهداة، ج ۳، ص ۱۲۳.

۳- طه ۲۹ تا ۳۵

پیامبر اکرم ﷺ نیز بارها به حضرت علی رضی الله عنه فرمود :

أَنْتَ مِنِّي  
بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى  
تو برای من  
به منزله‌ی هارون برای موسی هستی ؛  
إِلَّا أَنَّهُ وَ لَانَبِيَّ بَعْدِي  
جز این که بعد از من پیامبری نیست.<sup>۱</sup>

۶- حدیث ثقلین: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به طور مکرر، از جمله در روزهای آخر عمر خود، فرمود :

❖ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ  
كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي  
من در میان شما دو چیز گران بها می گذارم :  
کتاب خدا و عترتم اهل بیتم را .  
مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا  
لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا  
تا وقتی که به این دو تمسک جوید  
هرگز گمراه نمی شوید  
وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا  
حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ  
و این دو هیچ گاه از هم جدا نمی شوند  
تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.<sup>۲</sup>

## استخراج پیام



- با تفکر در این حدیث، چه پیام‌هایی را می توان استخراج کرد؟
- ۱- همان طور که قرآن و پیامبر لازم و ملزوم یک دیگرند و از هم جدا نمی شوند، قرآن و اهل بیت نیز همواره با هم اند.
  - ۲- چون قرآن همیشگی است، وجود معصوم نیز در کنار آن همیشگی خواهد بود.
  - ۳- .....
  - ۴- .....

۱- علامه‌ی حسینی تهرانی (ره) در جلد دهم امام شناسی می گوید که این حدیث مورد اتفاق علمای اسلام از اهل سنت و شیعه است. همچنین: منابع المودة، باب ۶، ص ۵۰.

۲- این حدیث متواتر است و آن قدر از اهل سنت و شیعه نقل شده است که جای تردید ندارد. برای کسب اطلاعات بیشتر به امام شناسی علامه‌ی حسینی تهرانی، ج ۱۳ مراجعه کنید.

۷- حدیث غدیر: پیامبر گرامی اسلام در سال دهم هجرت عازم مکه شد تا فریضه‌ی حج را به‌جا آورد. این حج که در آخرین سال زندگی ایشان برگزار شد، به «حَجَّةُ الْوِدَاع» مشهور است. در این حج، حدود ۱۲۰ هزار نفر شرکت کرده بودند تا روش انجام دادن اعمال حج را از ایشان فراگیرند و اعمال را همراه ایشان به‌جا آورند. پس از برگزاری حج و در مسیر بازگشت به مدینه در روز هجدهم ماه ذیحجه، در محلی به نام غدیر خم<sup>۱</sup> این آیه نازل شد:

يا أَيُّهَا الرَّسُولُ  
 بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ  
 وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ  
 فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ  
 وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ  
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

.....  
 .....  
 .....  
 .....  
 خداوند تو را از مردم در امان می‌دارد.  
 .....

مأثده ۶۷

با تأمل در این آیه درمی‌یابیم که:

الف - خداوند مأموریتی را به پیامبر محول کرده است و اکنون از وی می‌خواهد آن را به انجام رساند.

ب - اهمیت این مأموریت به اندازه‌ی اهمیت رسالت است.

ج - انجام دادن این مأموریت، خطرهای بزرگی به دنبال دارد اما خداوند، خود، حفظ جان رسول خدا را تضمین می‌کند.

د - کسانی هستند که نمی‌خواهند بگذارند این مأموریت انجام شود و این خطرها از جانب آن‌هاست.

ه - بیان خداوند به‌گونه‌ای است که تعجیل در انجام دادن مأموریت را از پیامبر می‌خواهد.

۱- غدیر به معنای برکه‌ی آب، و حُم نام محل تلاقی راه‌های مدینه، عراق، شام و مصر بود و کاروانیان در آن‌جا به هم می‌رسیدند یا از هم جدا می‌شدند.



بعد از نزول این آیه، پیامبر اکرم ﷺ دستور داد همه توقف کنند تا بازماندگان برسند و آنان که پیش رفته‌اند، برگردند. ظهر شده بود؛ ابتدا نماز را به جا آوردند و سپس، پیامبر در یک سخنرانی مهم و مفصل با مردم سخن گفت و آنان را برای دریافت آن پیام بزرگ آماده کرد. در این جا از مردم پرسید:

أَيُّهَا النَّاسُ  
ای مردم  
مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ  
چه کسی به مؤمنان  
مِنْ أَنْفُسِهِمْ  
از خودشان سزاوارتر است؟

گفتند: خدا و پیامبرش بر ما ولایت و سرپرستی دارند.

سپس، فرمود:

♦ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ  
هرکس که من ولی و سرپرست اویم،  
فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ  
علی نیز ولی و سرپرست اوست.

و این جمله را سه بار تکرار کرد.

در پایان سخنرانی نیز از حاضران خواست که مطالب گفته شده را به غایبان برسانند. پس از آن، مردم برای عرض تبریک و شادباش به سوی امام آمدند و با وی بیعت کردند. در این حال، حسان بن ثابت، شاعر بزرگ عرب که خوشحالی و جودش را فرا گرفته بود، به پیامبر گفت:

«ای رسول خدا! شعری برای این واقعه بسرایم و برای مردم بخوانم؟»

پیامبر فرمود: «بگو؛ به کمک برکات خداوند.»

حسان ایستاد و در همان جا شعری زیبا سرود و تقدیم پیامبر ﷺ کرد.

سخنان پیامبر ﷺ در این واقعه از جهت سلسله‌ی روایان حدیث چنان محکم است که شاید کمتر حدیثی مانند آن وجود داشته باشد. صدو ده نفر از اصحاب پیامبر که در غدیر حاضر بوده‌اند، آن را بی‌هیچ واسطه‌ای از پیامبر نقل کرده‌اند. دانشمندان و تاریخ‌نویسان و مفسرانی از اهل سنت نیز

۱- یعنی، چه کسی بر آن‌ها ولایت و سرپرستی دارد و باید به فرمان‌هایش عمل کند؟

این واقعه را با مدارک زیاد در کتاب‌های خود آورده‌اند که نام سیصد و پنجاه نفر آن‌ها در کتاب «الغدیر»<sup>۱</sup> آمده است.

اگرچه بعد از رحلت پیامبر، زمامداری مسلمین به امام علی علیه السلام نرسید و واقعه‌ی عظیم غدیر نادیده گرفته شد اما چگونگی برگزاری این مراسم و سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله روشنگر بسیاری از اتفاقات پس از ایشان است.



با بررسی این آیات و احادیث روشن می‌شود که

الف - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام و یازده فرزند ایشان را به جانشینی خود معرفی کرده است و آنان عهده‌دار مسئولیت امامت‌اند.

ب - لازمه‌ی این مرتبه از جانشینی، علم و معرفت کامل و عصمت از گناه و اشتباه است؛ همان‌گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله این دو ویژگی را دارا بود.

ج - تعیین جانشین رسول خدا با هدایت و راهنمایی خداوند بوده و خداوند، ائمه‌ی اطهار علیهم السلام را به این مقام برگزیده است.

د - حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام جزء اهل بیت است و اگرچه عهده‌دار امامت نبوده، اما دارای علم و عصمت کامل است و پیروی از کلام و رفتار وی بر همه‌ی مسلمانان واجب و سرچشمه‌ی هدایت و رستگاری است.

---

۱- الغدیر نام مجموعه‌ی گرانمایی در اثبات واقعه‌ی غدیر است که یکی از دانشمندان عالی‌قدر شیعه در عصر حاضر - علامه‌ی امینی - آن را در یازده جلد به زبان عربی نوشته است و خلاصه‌ی آن به فارسی در یک جلد ترجمه شده است.



- درباره‌ی واقعه‌ی بزرگ غدیر بیندیشید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید :
- الف : چرا مراسم غدیر هم‌زمان با بزرگ‌ترین اجتماع مسلمانان برگزار شد؟
- ب : چرا خداوند انجام ندادن این مأموریت را مساوی با عدم انجام رسالت اعلام کرد؟
- ج : آیا می‌توان گفت که کلمه‌ی «مَوْلا» در عبارتِ «مَنْ كُنْتُ مَوْلاَهُ...» به معنای «دوست» است؟ آیا در این صورت، نرساندن این پیام می‌تواند مساوی با عدم انجام رسالت باشد؟
- د : تبریک و تهنیت مردم به حضرت علی علیه السلام پس از پایان مراسم نشانه‌ی چیست؟



- ۱- مراسم غدیر را در شعر یا تتری شیوا به تصویر بکشید یا آن را در قالب طرحی زیبا نقاشی کنید.
- ۲- داستان عشیره‌ی اقرین یا واقعه‌ی غدیر یا حدیث کساء را به صورت داستان‌گویی و براساس کتاب «سلام بر خورشید»، در قالب نمایش اجرا کنید.

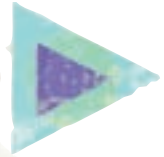
# گام دوم

یا نهیر تجدی بیت باقران عدالست. ایشان حقست پرستی،  
ایمان بیسببی، تهاخر دندی واسفر روی سخن. مهرورزی، جفا و عبادت  
است. یاد نهیر شمار چو پستان با اولین امام و برابر عشق. خضوع و سرپردگی  
به اوست.

برنامه:

به سال در این روز چیمان و فاداری را با مولای خود تجدیدی کنیم و برای  
برگزاری یک جشن بزرگ، است به دست جمنی و سیم، بر یک مسولیتی با  
می پذیریم در مس. در محله، در مسجد محل و در فضا، زیباترین و با معناترین  
جشن به یاد منکر میانی و معنا.

خدایا! ما را ملوق به ارادت این روز، با صدی خوبان و خوبی چو چیمان  
اخوت و برادری عزیزه و خور از جدی پاک سازیم.



نام «شیعه» از کجا پیدا شده است و چه رابطه‌ای با «اسلام» دارد؟  
 آیا این نام پس از رحلت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و به وسیله‌ی یاران و پیروان  
 ائمه علیهم السلام ساخته شده است؟

«شیعه» در لغت به معنای طرفدار، یار و پیرو است. این کلمه در قرآن کریم به  
 همین معنا به کار رفته است؛ از جمله در آن جا که حضرت ابراهیم الْحَبَشِيُّ را دنباله‌رو  
 حضرت نوح الْحَبَشِيُّ معرفی می‌کند و می‌فرماید:

وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِابْرَاهِيمَ هَمَانَا که ابراهیم از پیروان اوست.<sup>۱</sup>  
 همچنین، قرآن کریم از نزاع دو نفر در زمان حضرت موسی الْحَبَشِيُّ خبر می‌دهد و  
 آنان را این‌گونه معرفی می‌کند:

هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ یکی، از طرفداران او بود  
 وَ هَذَا مِنْ عَدُوِّهِ... و دیگری، از دشمنانش<sup>۲</sup>

همان‌طور که در درس‌های گذشته دیدیم، «امامت» ادامه‌ی رسالت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 محسوب می‌شود و کسی لایق چنین مقامی است که مانند پیامبر، عالم به غیب و معصوم  
 از گناه و اشتباه باشد. چنین انسانی را تنها خدا می‌شناسد و پیامبر از او با خبر است.  
 از آن جا که زمامداری و حکومت، همواره مورد توجه افراد جاه‌طلب و دنیاپرست  
 بوده است و آن‌ها برای به دست گرفتن آن از هیچ حرکتی کوتاهی نمی‌کنند،  
 پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سعی می‌کرد رهبر بعد از خود را به مردم بشناساند و آنان را به پیروی  
 از وی فراخواند و متذکر می‌شد که انتخاب درست از آن کسانی است که وی را به امامت  
 و رهبری بپذیرند. برای مثال، روزی در جمع یاران نشست بود. حضرت علی الْحَبَشِيُّ را  
 نشان داد و فرمود:

وَ الَّذِي نَفْسِي بِئِدِي سَوَّغْتُ بِهِ أَنْ كَيْفَ جَانِمُ دَرِ دَسْتِ اؤسْتِ،

إِنَّ هَذَا وَشِيعَتَهُ وَ  
این شخص و پیروان او،  
لَهُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
قطعاً این‌ها در قیامت رستگارانند.<sup>۱</sup>

پس می‌بینیم که اولین کسی که این نام را به کار برده، شخص پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و مسلمانان زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با این نام آشنا بوده و می‌دانسته‌اند که پس از رحلت ایشان، فقط پیروان حضرت علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در راه راستین پیامبر قدم برمی‌دارند و به اسلام حقیقی عمل می‌کنند.

در حقیقت، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی زمان خود، فعالیت‌های خودسرانه بر سر به دست گرفتن زمامداری و قدرت را پیش‌بینی می‌کرد. به همین علت، تمام تلاش خود را به کار می‌برد تا شخصیت ممتاز حضرت علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را به مردم بشناساند، اعتبارات جاهلی و قبیله‌ای را از افکار آنان بزاید و کسانی را که برای رسیدن به قدرت می‌خواهند از این اعتبارات استفاده کنند، به انزوا کشاند.

شاید تصور زندگی قبیله‌ای و روابط حاکم بر آن برای ما دشوار باشد و نتوانیم جایگاه بزرگان قوم و رؤسای قبایل را به خوبی حس کنیم. در قبیله، بزرگی و شرافت مخصوص این بزرگان و رؤسا بوده و فضایی چون علم، عدالت‌خواهی، جوان‌مردی، صداقت، پاکی و کرامت نفس وقتی ارزش داشته است که رئیس قوم یا فرزندان و بستگان وی بدان متصف باشند. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با این افکار جاهلی به شدت مبارزه کرد و ابهت این‌گونه اعتبارهای توخالی را درهم شکست اما در زمان او هنوز ارزش‌ها و کرامت‌های انسانی در قلب‌ها و اندیشه‌ها ریشه ندوانیده و جایگزین نشده بود. زیرا تحولات فرهنگی و تغییر فرهنگ جاهلی به فرهنگ و ارزش‌های اسلامی به تدریج صورت می‌گیرد و برنامه‌ای مستمر و مداوم نیاز دارد. به همین جهت، هر بانگی از جانب قبرستان جاهلیت برمی‌خاست، دل‌های کسانی به سویش کشیده می‌شد و فضایل توحیدی از یادها می‌رفت و مورد بی‌مهری قرار می‌گرفت. بسیاری از افراد، میان

۱- الدر المنثور، سیوطی، ذیل آیهی «أُولَئِكَ هُمُ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» همچنین در تاریخ ابن‌عساکر، نسخه‌ی خطی، ص ۳۸۲ آمده است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: إِنَّ عَلِيًّا وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ.



فرمان پیامبر و فرمان بزرگان قوم تفاوت چندانی قائل نبودند و گاه در لحظات حساس و سرنوشت‌ساز، به جای فرمان الهی، به سوی فرمان بزرگان قوم متمایل می‌شدند. قرآن کریم در آیات متعدد ضمن اشاره به این میل جاهلی، به مردم هشدار می‌دهد؛ از جمله در آیه ۵۰ سوره ی مائده می‌فرماید:

أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ      آیا به دنبال حکم جاهلیت هستند؟  
 وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا      و چه کسی بهتر از خدا حکم می‌کند  
 لِقَوْمٍ يوقِنُونَ      برای مردمی که یقین دارند؟

اصل دیگری که پیامبر ﷺ، در کنار امامت بر آن پای می‌فشرد و آن را از اهداف مهم رسالت خود می‌دانست، «عدالت اجتماعی» بود. ایشان آمده بود تا عدالت خداوند را در روابط بین انسان‌ها متجلی کند و به مردم اعلام کند که عدل خداوند، تنها بدین معنا نیست که او صفتی به نام عدل دارد یا جهان خلقت را بر پایه‌ی عدل بنا کرده است یا در آخرت با مردم به عدل رفتار می‌کند. عدل خداوند معنای دیگری نیز دارد و آن، این است که او می‌خواهد رابطه‌ی بین انسان‌ها در همین دنیا نیز بر عدل استوار باشد.

این اصل با «امامت» گره خورده بود. پیامبر اکرم ﷺ تأکید می‌کرد که رهبری و پیشوایی جامعه در درجه‌ی اول باید در اختیار انسان‌هایی عادل، با تقوا، پاک و معصوم باشد که حکومت را برای رسیدن به منافع شخصی خود به دست نگیرند بلکه هدف مقدس آن‌ها هدایت انسان‌ها به سوی کمال و برقراری عدل در جامعه باشد.

مردمی که فقط دوره‌ی کوتاه ده ساله‌ی رهبری عادلانه‌ی رسول خدا را دیده و با نظام جاهلانیه مبتنی بر روابط ظالمانه خوگرفته بودند، به تدریج پس از رسول خدا ﷺ قدم در جاده‌ی انحراف گذاشتند و حاکمان پس از پیامبر، در دوره‌ی بنی‌امیه و بنی‌عباس سلطنت کسرابی ایران و امپراتوری قیصری روم را زنده کردند.

رسول خدا ﷺ در هر فرصتی، ارزش‌ها و فضایل متعالی حضرت علی (علیه السلام) و اهل بیت خود را که در مقابل ارزش‌های جاهلی قرار داشت، برای مردم بیان می‌کرد تا دل‌های آنان را برای پذیرفتن امامت و رهبری ایشان آماده کند. از جمله فرموده‌اند:

- ۱- عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ  
وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ  
وَقُرْآنٌ بَا عَلِيٍّ  
وَعَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ  
وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ  
وَقُرْآنٌ بَا عَلِيٍّ  
وَعَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ  
وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ  
۲- أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ  
۳- حَقٌّ عَلِيٍّ عَلِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةِ  
۴- كَحَقِّ الْوَالِدِ عَلِيٍّ وَلَدِهِ  
۵- النَّظَرُ إِلَيَّ وَجَهٌ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ  
۶- إِنَّ وَصِيَّيَّ وَوَارِثِيَّ  
وَمُنْجِزُ وَعْدِي  
عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ  
۷- رُوِيَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِه يَارَانِشْ فَرَمُود: پَس اَز مَن فَتَنَه‌هَائِي بَرانگِيخْتَه خَوَاهَد شَد، تَارِيك و ظَلْمَانِي. كَسَانِي اَز اَيْن فَتَنَه‌هَا نَجَات مِي يَابَنْد كِه بَه دَسْتَاوِيْزِي مَحْكَم بِيَاوِيْزَنْد.

یاران برسیدند: ای رسول خدا! آن دستاویز محکم چیست؟  
فرمود: ولایت سید اوصیای پیامبران.

۱- مجموعه‌ی این احادیث از امام‌شناسی علامه حسینی تهرانی، ج ۷، ص ۱۵ به بعد نقل شده و در آن کتاب منابع شیعه و اهل سنت این احادیث آمده است.

پرسیدند : سید اوصیای پیامبران کیست؟

فرمود : امیر مؤمنان

پرسیدند : امیر مؤمنان کیست؟

فرمود : بزرگ و صاحب اختیار مسلمانان و امام آنها پس از من.

پرسیدند : یا رسول الله، بزرگ و امام آنان بعد از شما کیست؟

فرمود : علی بن ابی طالب<sup>۱</sup>.

راستی، چرا رسول خدا ﷺ در همان ابتدا نام امام علی علیه السلام را ذکر نکرد و پس

از چند سؤال نام ایشان را بر زبان آورد؟

۸- بُریده‌ی اسلمی می‌گوید : «روزی رسول خدا ﷺ جمعی را که در کنار او

بودیم امر کرد که به علی بن ابی طالب با لقب «امیرالمؤمنین» سلام کنیم. در آن روز،

ما هشت نفر بودیم و من از هفت نفر دیگر، کوچک‌تر بودم.<sup>۲</sup>»

۹- جابر بن عبدالله انصاری، از یاران خوب رسول خدا ﷺ می‌گوید : «در کنار

خانه‌ی خدا و در حضور رسول خدا بودیم که حضرت علی علیه السلام وارد شد. رسول خدا ﷺ

فرمود : برادرم به سوی‌تان آمد. سپس، رو به سمت کعبه کرد و با دست به آن زد و فرمود :

سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، این مرد و پیروان او رستگارند و در روز

قیامت، اهل نجات‌اند.

سپس، فرمود : این مرد اولین ایمان آورنده به خدا، وفادارترین شما در پیمان با

خدا، راسخ‌ترین شما در انجام فرمان خدا، صادق‌ترین شما در داوری بین مردم، بهترین

شما در رعایت مساوات بین آنها و ارجمندترین شما نزد خداست.

در همین هنگام آیه‌ی زیر بر پیامبر خدا نازل شد :

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا

آنان که ایمان آوردند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

و کارهای شایسته انجام دادند،

أُولَٰئِكَ هُم خَيْرُ الْبَرِيَّةِ

اینان بهترین مخلوقات روی زمین‌اند<sup>۳</sup>

۱- غایة المرام، ص ۶۲۱، حدیث ۲۳.

۲- تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۲، ص ۲۵۹.

۳- بیته ۷

همان‌طور که در این کلام رسول خدا ﷺ می‌بینیم، این همه مقام و منزلت حضرت علی علیه السلام نزد خدا و تمجیدهای فراوان رسول اکرم صلی الله علیه و آله از ایشان، بدون سبب و یا به خاطر خویشاوندی با پیامبر نیست، بلکه به خاطر «ایمان» بی‌نظیر و «عمل» بی‌مانند ایشان است. صداقت، ایثار، جهاد، یک‌رنگی، وفا، عبادت، علم و اموری از این قبیل، ایشان را به چنین مقامی رسانده است.

۱۰- حضرت علی علیه السلام کودکی بیش نبود که به خانه‌ی پیامبر آمد، از همان زمان، تربیت وی در دامان پیامبر آغاز گردید و درهای دانش الهی به رویش گشوده شد. امام می‌فرماید: «از آن زمان که رسول خدا ﷺ از شیر گرفته شد، خداوند بزرگ‌ترین فرشته‌ی خود را همراه ایشان قرار داد. آن فرشته، شب و روز راه کسب مکارم و زیبایی‌های اخلاق را به ایشان نشان می‌داد و من، در نهایت عشق و شیفتگی از آن حضرت تبعیت می‌کردم و ایشان را همراهی می‌نمودم»<sup>۱</sup>.

این تربیت بدان جهت بود که حضرت علی علیه السلام پس از رسول خدا ﷺ به انجام دادن مسئولیت‌های پیامبر ادامه دهد و با تکیه بر دانش الهی خود، مردم را در زمینه‌ی احکام و معارف دینی هدایت کند. رسول خدا ﷺ نیز در هر فرصتی که پیش می‌آمد، این مقام علمی را به اطلاع مردم می‌رساند. در این جا به یک مورد از گفته‌های آن حضرت اشاره می‌کنیم:

من شهر علم هستم	أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ
و علی در آن است.	وَعَلِيٌّ بِأَبِهَا
هر کس می‌خواهد به این علم برسد	فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ
باید از در آن وارد شود. <sup>۲</sup>	فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا

مطابق با این حدیث، نکات زیر به دست می‌آید:  
اولاً حضرت علی علیه السلام پس از رسول خدا ﷺ از همه داناتر است؛

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲

۲- شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۸۱ و امام شناسی، علامه‌ی حسینی تهرانی، ج ۱۱، ص ۶۱.

ثانیاً حضرت علی علیه السلام در علم خود معصوم است؛ وگرنه رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی فرمود که همه باید به ایشان مراجعه کنند.

ثالثاً بر مردم واجب است که همه از دانش حضرت علی علیه السلام بهره ببرند و مطابق نظر ایشان عمل کنند؛ زیرا ایشان راه رسیدن به علم پیامبرند و بهره مندی از علم پیامبر هم بر همه واجب است. به همین جهت روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای علی، من شهر حکمتم و تو در آن شهر هستی. هیچ گاه نمی توان وارد شهری شد، مگر از در آن. دروغ می گوید کسی که می پندارد مرا دوست دارد، در حالی که کینه ی تو در دل اوست؛ زیرا تو از من هستی و من از تو؛ گوشت تو از گوشت من و خون تو از خون من و روح تو از روح من است.

نجات و رستگاری از آن کسی است که از تو پیروی کند و بدبخت کسی است که با تو مخالفت نماید و آن کس سود می برد که ولایت تو را بپذیرد. تهی دست کسی است که با تو دشمنی کند. کسی به فلاح می رسد که پیرو تو باشد و به هلاکت می رسد کسی که از تو دوری گزیند. مثل تو و امامان از فرزندان تو، مثل کشتی نوح است؛ هر کس بر آن سوار شود نجات یابد و هر کس سربچی کند، هلاک شود. مثل شما مثل ستارگان آسمان است که چون ستاره ای غایب شود، ستاره ای دیگر طلوع می کند تا روز قیامت.»<sup>۱</sup>

بنابر آنچه گفته شد، شیعه ی امام علی علیه السلام و یازده جانشین بزرگوار وی کسانی هستند که به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام و یازده امام پس از ایشان را جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله می دانند و پیروی از آنان را بر خود واجب و سربچی از فرمان های آنان را حرام می شمرند. نیز معتقدند که اصل عدل فقط به معنای عدم ظلم در جهان هستی یا آخرت نیست بلکه به معنای عدل در روابط اجتماعی و زندگی دنیایی نیز هست و برقراری چنین عدالتی تنها با امامت جانشینان حقیقی رسول خدا صلی الله علیه و آله میسر می شود.



۱- غایب المرام، ج ۲، ص ۵۲۲ به نقل از شیخ صدوق با سند متصل از سعید بن جبیر از ابن عباس.

شناخت جایگاه شیعه در تاریخ اسلام و تبیین علمی و تاریخی حقانیت آن، نباید ما را از مسأله‌ای مهم و حیاتی، یعنی حفظ وحدت مسلمانان و تلاش برای سربلندی، عزت، استقلال و حفظ منافع آنان غافل کند. باورهای مشترک فراوان، مانند اعتقاد به خدا، پیامبر ﷺ، قرآن، قیامت، زمینه‌ساز وحدت بین ما مسلمانان است؛ به همین دلیل، حفظ و تقویت وحدت شیعه و سنی و مبارزه با عوامل و برنامه‌های تفرقه‌انگیز یکی از اصول راهبردی انقلاب اسلامی است که هوشیاری و بیداری همگان را می‌طلبد.

در شرایطی که ستمگران جهانی و دشمنان عدالت و حق‌طلبی و معنویت، حقیقت اسلام را نشانه رفته‌اند، بی‌توجهی به سرنوشت مجموعه‌ی مسلمانان گناهی نابخشودنی است. در بیان اهمیت این موضوع همین بس که دشمنان سوگند خورده‌ی اسلام و مسلمانان با همه‌ی امکانات و با جدیت تمام برای ایجاد تفرقه در میان مسلمانان می‌کوشند و می‌خواهند مانع وحدت، مشارکت و همکاری حقیقی آنان شوند. آن‌ها تلاش می‌کنند که پیام عدالت‌خواهی، حق‌جویی، آزادگی، معنویت‌گرایی و خداخواهی کتاب مسلمانان - یعنی قرآن کریم - به انسان‌های حقیقت‌جوی جهان نرسد و مسلمانان همچنان عقب‌مانده و تحقیر شده باقی بمانند. امام خمینی (ره)، معمار کبیر انقلاب اسلامی که همواره و در هر فرصت مسلمانان را به اتحاد و همبستگی دعوت می‌کرد، در یکی از پیام‌های خود به مسلمانان چنین پیام می‌دهد:

«ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید، به پاخیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه‌ی تعلیمات اسلام مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرت‌ها را از ممالک خود و خزائن سرشار آن کوتاه کنید و مجد اسلام را اعاده کنید و دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید. بر فرهنگ اسلام تکیه کنید و با غرب و غرب‌زدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید.»<sup>۱</sup>

۱- صحیفه‌ی نور، ج ۱۴، ص ۸۳.



ایشان، در کلام دیگری، ضمن نشان دادن محور اتحاد مسلمانان، می‌فرماید :  
«اگر مسلمانان به دستورات اسلامی رفتار کنند و وحدت کلمه‌ی خود را حفظ نمایند و از اختلاف و تنازع که مایه‌ی شکست آن‌هاست، دست بکشند، در سایه‌ی پرچم «لااله الا الله» از تجاوز دشمنان اسلام و جهان‌خواران مصون خواهند شد و دست شرق و غرب را از بلاد عزیز مسلمین قطع خواهند کرد. زیرا هم عده‌ی این‌ها افزون‌تر و هم ذخایرشان بی‌پایان است و از همه بالاتر، قدرت غیرمتناهی خداوند پشتیبان آنان است و قدرت‌های بزرگ به اینان محتاج هستند.»<sup>۱</sup>

با توجه به اهمیت «وحدت» که با حیات و عزت مسلمانان پیوند دارد، شایسته است برای تقویت و گسترش آن تلاش کنیم و ضمن جلوگیری از مطرح شدن سخنان و برنامه‌های تفرقه‌انگیز (که توسط دشمنان آگاه و دوستان ناآگاه ارائه می‌شود) و در کنار اطاعت از تعالیم اسلام و قرآن، بکوشیم زمینه‌های تفرقه و دشمنی میان مسلمانان را در محیط اجتماعی خود از بین ببریم و هم‌بستگی و اتحاد آنان را افزایش دهیم.

۱- وحدت از دیدگاه امام خمینی، کد ۲۷۷